

مع الوصف پیوسته پس از هر انقلابی و تا مدت‌ها بقایایی از جریان‌های گذشته در بدنه انقلاب باقی می‌ماند و گاه همین رسوب‌ها هستند که آبخور تفکران اصلاح‌طلبان را تشکیل می‌دهند.

۴. فرآیند اصلاح‌طلبی (رفورمیسم)، من حیث ماهیت آن و براساس مقاصد تاریخی‌ای که در پیش دارد، همواره یا دو جریان اجتماعی مهم و شاخص آن همراه می‌گردد: یکی «تجدید نظرخواهی» و دیگری «فرصت‌طلبی».

«تجدید نظرخواهی» رویکرد اصلی اصلاح‌طلبی است و در این موضع‌گیری است که تخصص اصولی اصلاح‌طلبان با انقلاب‌گرایان پدیدار می‌گردد. اصلاح‌طلب غالباً به این بهانه که برای حفظ بعضی از اصول باید اصول دیگری را کنار نهد، به مرور از اصول اساسی انقلاب فاصله می‌گیرد و مراعات اصول فرعی را جای‌گزین آن اصول اصلی می‌سازد و بدین‌گونه پس از مدتی از کلیت و تمامیت انقلاب قلب ماهیت می‌شود و اصالت و رسالت تاریخی آن انقلاب منع می‌گردد. اما «فرصت‌طلبی» وجه ثانوی اصلاح‌طلبی است و این گرایش غالباً با عمل‌گرایی و منفعت‌جویی و ابزارگرایی همراه است.

۵. وجود تعاطی دائمی تمایلات میان امپریالیست‌ها، اصلاح‌طلبان و مرتجعین و محافظه‌کاران در اکثر کشورهای جهان، یک موضوع شخصی و خصوصی نیست؛ بلکه این نمودار یک واقعیت تاریخی است که اصلاح‌طلبان (رفورمیست‌ها) همواره طالب آنند که تنعم و رفاه نسبی روزمره اقشار متوسط جامعه را جانشین بسط عدالت و تساوی امکانات برای همگان سازند.

مزارش کر: حسن مفلو

بازاندیشی لیبرالیسم و حقوق بشر

گراهام واتسون / هاشم بناءپور

فرهنگستان، ش ۱۱۳، ۱۳۸۸/۷/۱۵

آقای گراهام واتسون در این گفت و گو از وضعیت حقوق بشر معاصر، از منظر لیبرالیسم سخن سرایی می‌کند. وی بر آن است که موسع‌ترین نگرش‌های حقوق بشری، امروزه امکان بروز و ظهور دارند. واتسون معتقد است که اکنون ایده‌های ما در باب حقوق بشر بسیار گسترده‌تر شده است و حتی‌المقدور این امکان فراهم آمده است که در بین لیبرال‌ها، در باب حقوق بشر، بحث‌ها و مجادلاتی صورت می‌گیرد. برخی ممکن است استدلال کنند که حقوق زنان ریشه در حقوق بشر دارد. برخی ممکن است استدلال کنند که این طور نیست. اما حقیقت نشانگر این نکته است که در اینجا حد و مرزی وجود دارد که ما را به سمت حقوق بشر رهنمون کرده است تا جایی که آنها به ما می‌گویند ما در این مجادلات موفقیتهای

بزرگی کسب کرده‌ایم. به همین دلیل می‌توان گفت که ما بسیار موفق بوده‌ایم و نیز کسانی را می‌یابیم که از دیگر گروه‌های سیاسی از حقوق بشر دفاع می‌کنند، این مسئله سبب پافشاری در اعمال برنامه حقوق بشر می‌شود که دیگر آن برنامه کاری صرف لیبرال نیست. در این پروژه حقوق بشر، همگان سهیم می‌شوند. لیبرال‌ها در تاریخ معاصر اغلب در پشت اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق بشر هستند و آنان در گسترش کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد حقوق سیاسی و مدنی و نیز درباره حقوق اقتصادی و اجتماعی فعالند. ما می‌توانیم در سرتاسر دنیا لیبرال‌هایی را در میان دولت‌ها بیابیم که کاملاً فرهنگ حقوقی را در کشورهایی که حاکمند، به صورت وسیع گسترش می‌دهند. لیبرال‌ها ضرورتاً به بحث‌های بیشتری درباره اینکه چگونه حقوق بشر را تعریف کنیم، نیاز دارند. ممکن است در بعد مبارزه برای حقوق اساسی بشر دست به ریسک بزنیم. اگر دامنه تعریف‌مان را از حقوق بشر بسط دهیم، سبب خواهد شد حمایت کسانی که با هم هستند را جلب کنیم. اگر امروز به جهان، نظری بیفکنید، خواهید دید که در دموکراسی‌های پیشرفته، فرهنگ حقوقی بنیان درستی دارد و درباره حقوق جدید بحث‌هایی رواج یافته است.

گزارشگر: حسن کتلو

وحی از دیدگاه شهید مطهری (۱) و (۲)

گفت‌وگو با: علی ربانی گلپایگانی

ایران، ش ۲۳۳۲ و ۲۳۳۵ و ۲۰۲۱/۷/۱۳۸۸

در این گفت‌وگو آقای ربانی به تبیین و تشریح وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه اشاره دارند. ایشان در رابطه با کنه وحی از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله‌علیه می‌گویند: از نگاه استاد مطهری شناخت حقیقت و کنه وحی و نبوت برای غیر پیامبران الهی و کسانی که در رتبه کمال وجودی آنان قرار ندارند ممکن نیست، بدین جهت برای شناخت ویژگی‌ها و نشانه‌های وحی و نبوت باید به اولیای وحی رجوع کرد و در این باره از زبان آنان شنید. در واقع باید گفت پس از آشنایی با ویژگی‌ها و نشانه‌های وحی و نبوت از زبان اولیای وحی (قرآن و احادیث معصومان) می‌توان از تفکر عقلی و داده‌های علمی نیز در این باره بهره گرفت. اما باید توجه داشت که داده‌های علمی و عقلی درباره وحی، فرضیه‌ای بیش در اختیار انسان قرار نخواهد داد که تا حدی می‌تواند راهگشای انسان در فهم پدیده وحی باشد.

راه دیگری که استاد مطهری رحمته‌الله‌علیه برای شناخت وحی و نبوت معرفی کرده است، مطالعه و تحقیق درباره دیگر موارد وحی الهی، مانند رؤیاهای صادق است، که اگر چه نمی‌تواند ما را با حقیقت وحی مخصوص پیامبران آشنا کند، ولی تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.

وحی حالتی است مخصوص پیامبران که قطعاً ما به کنه آن پی نمی‌بریم، ولی چون قرآن وحی رابه اشیا دیگر عمومی داد، شاید به تناسب انواعی از وحی که می‌شناسیم، بتوانیم تا